

ایلمدن نشان

بای محمد قلیچی

www.ketab.ir

سرشناسه	: قلیچی، بای محمد ۱۳۴۱ -
عنوان و نام پدیدآور	: ایلیمدن نشان / بای محمد قلیچی.
مشخصات نشر	: گرگان: انتشارات نوروزی ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۱۳۹ ص.
شابک	: 978-622-02-1662-9
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: شعر ترکمنی -- ایران -- قرن ۱۴
موضوع	: Turkmen poetry -- Iran -- 20th century
رده بندی کنگره	: ۳۳۲PL
رده بندی دیویی	: ۳۶۴۱/۸۹۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۴۳۵۶۹۲
اطلاعات رکورد	: فیبا
کتابشناسی	

ایلیمدن نشان

تألیف: بای محمد قلیچی

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۰

مشخصات ظاهری: ۱۳۹ ص

قطع: رقعی

شمارگان: ۵۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۲-۱۶۶۲-۹

چاپ و نشر: نوروزی-۱۷۳۲۲۴۲۲۵۸

قیمت: ۴۹۰۰۰ تومان

حق چاپ برای نویسنده محفوظ می باشد.



نشانی: گلستان، گرگان، خیابان شهید بهشتی، بازار رضا (ع)، ۱۷-۳۲۲۴۲۲۵۸
 دورنگار: ۰۱۷-۳۲۲۲۰۰۴۷ آدرس الکترونیکی: Entesharate.noruzi@gmail.com
 سایت انتشارات: www.Entesharate-noruzi.com

مضمونى

ردیف	عنوان	صفحه	ردیف	عنوان	صفحه
۱	مقدمه	۱	۲۶	بار یارلار	۳۵
۲	دوستلوق بناسى	۴	۲۷	باغشى سن	۳۸
۳	سۆز باشى	۶	۲۸	بالام	۳۹
۴	آبانىپ دورقا	۹	۲۹	بالاما سارغت	۴۱
۵	آتانىنگ قولى	۱۰	۳۰	بزه نیپ گيدر	۴۳
۶	آتا واطان	۱۱	۳۱	بسدير	۴۴
۷	آخونىم	۱۳	۳۲	بهشت انانىنگ	۴۵
۸	آرمان كۆپه لر	۱۵	۳۳	بويون اگديرر	۴۶
۹	آغلاماق	۱۶	۳۴	بيلىپ چىق	۴۷
۱۰	آماندوردى	۱۷	۳۵	پارخ سىز قاراش ...	۴۹
۱۱	اقبال	۱۹	۳۶	پریشان	۵۰
۱۲	اگيتدى دونيا	۲۰	۳۷	پشه دن قاچ	۵۳
۱۳	ال قوشوم	۲۱	۳۸	تاياقلى	۵۴
۱۴	امام رضا	۲۲	۳۹	تويدان سوغات	۵۴
۱۵	انه اوچىن آلادا	۲۳	۴۰	توبلى خليفه	۵۶
۱۶	انه مينگ سسى	۲۳	۴۱	جان واطان	۵۷
۱۷	اوبام دا	۲۴	۴۲	چوپانچا عقلىمىز	۵۹
۱۸	اۋورتىدى	۲۷	۴۳	خبرسىز معشوق	۶۰
۱۹	اۋز اليم	۲۸	۴۴	دالمى دير	۶۳
۲۰	اۋوزنگى سىنلا	۲۸	۴۵	داغ يۆره كلى شاهير	۶۴
۲۱	اۋورۇلر مىكا	۲۹	۴۶	دايان اترك	۶۶
۲۲	اۋيادان سس	۳۰	۴۷	درمان لى درد	۶۷
۲۳	ايلكىنچى سۈيگى	۳۱	۴۸	دلبرىنگ	۶۸
۲۴	ايليم بارمىنىگ	۳۳	۴۹	دوست عيىبنىگى گۈرمز	۶۹
۲۵	ايله دىنگ قصدى	۳۴	۵۰	دۇنياده	۷۰

مضمونى

ردیف	عنوان	صفحه	ردیف	عنوان	صفحه
۵۱	دۇيدۇردى.....	۷۱	۷۶	گيدندير.....	۱۰۱
۵۲	سازلار ساقلانار.	۷۲	۷۷	مراودە پائىنگ بناسى	۱۰۲
۵۳	ساغلىق بىلن پول	۷۳	۷۸	مردانه صحرام.....	۱۰۵
۵۴	سلام خطى....	۷۵	۷۹	مقام اوچىن.....	۱۰۶
۵۵	سگان باغشى.	۷۶	۸۰	مکانى باردير.....	۱۰۷
۵۶	شاهير.....	۷۷	۸۱	من شۇرا بولسام....	۱۰۸
۵۷	شكرلى و شكرسىز	۷۹	۸۲	نوروندان گۈزلە....	۱۱۰
۵۸	صبرى گۈزل ..	۷۹	۸۳	ياد-دا ساقلارقا.....	۱۱۱
۵۹	عۆمۈمىنگ ئىدرى..	۸۱	۸۴	يادلاما يوسف پرويزى	۱۱۲
۶۰	غريب لىق....	۸۲	۸۵	يا رسول الله سلام..	۱۱۴
۶۱	فلك كچ باقسا	۸۳	۸۶	ياغشى دير.....	۱۱۶
۶۲	قارا ايشان.....	۸۴	۸۷	يانغىن.....	۱۱۷
۶۳	قاررى لىق ياغدايى	۸۵	۸۸	يۆرك.....	۱۱۸
۶۴	قارلى گىجە...	۸۷	۸۹	يۆرك دردى.....	۱۱۹
۶۵	قلم ايندى....	۸۸	۹۰	يۆللىك.....	۱۲۰
۶۶	قوشولسام.....	۸۹	۹۱	قىسغا قوشغولار....	۱۲۲
۶۷	كرمانشانىنگ زلزله	۹۰	۹۲	رباغى لار.....	۱۲۹
۶۸	كعبام انه م...	۹۱	۹۳	آثار مكتوب.....	۱۳۳
۶۹	كۆپه لر.....	۹۲			
۷۰	كۆز قىز.....	۹۴			
۷۱	كولگه اۇلاسا	۹۵			
۷۲	كۆيستمز.....	۹۶			
۷۳	كىم قاچمه لى.	۹۷			
۷۴	گۆكجه كېدر ..	۹۸			
۷۵	گۈنگل آرزوى	۱۰۰			

بای محمد قلیچی، شاعر و نویسنده

بای محمد قلیچی فرزند قلیچ در ۱۳۴۱/۰۲/۰۳ ش در روستای قرناوه علیا از توابع شهرستان مراوه تپه متولد شد. زادگاه وی در عرصه های مختلف از جمله علوم دینی، کشتی ترکمنی، والیبال، شعر و شاعری و.... زبانزد عام و خاص می باشد. معروفترین شخص در علوم دینی که در مرحله دوم انتخابات مجلس شورای اسلامی نیز به عنوان کاندیدا خود را مطرح کرد می توان به خالق پردی آخوند دردی زاده اشاره کرد که دارای حوزه ی علمیه و طلاب بوده و هنوز هم این حوزه با مدیریت فرزند ایشان دوردی حاجی پابرجاست. این روستا همچنین زادگاه سردار ترکمن عالی یار خان می باشد. وی از جمله افرادی بود که همزمان با حمله سرلرزان رضاخان در پاییز سال ۱۳۰۴ ش. به ترکمن صحرا، فرماندهی ترکمنان شرق در منطقه ی گلیداغ و پیشکمر را عهده دار بود. در همین لشکرکشی اهالی روستای قرناوه مجبور به گریز از مقابل قشون شدند. اما «قلیچ پهلوان» جد بزرگ شاعر قلیچی به علت کھولت سن و پیری نتوانست به همراه خانواده بگریزد، خانواده اش مجبور شدند وی را به همراه مقداری غذا و آذوقه تنها گذاشته و از مقابل قشون فرار کنند، به امید این که مجدد بازگشته و وی را نجات دهند. اما این مراجعت و برگشت هرگز اتفاق نیفتاد و جد بزرگ قلیچی توسط قشون رضاخان به شهادت رسید. آرامگاه او در داخل روستای قرناوه علیا قرار دارد.

از شاعران می توان: محمد ایشان گوکلان (داغ با گول لری)- قربان قاری عیدی، بشیر نصیری و بایی ملا جان قربانی، دوردی تییار، طاغان مأمدم، گل محمد جان محمدی (هر گولدن بیر یاپراق) را نام برد.

بای محمد قلیچی در چنین روستایی که با تاریخ ترکمن عجین است، بزرگ شده و بسیاری از خاطرات تاریخی سینه به سینه نقل شده و به

نسل جوان و بای محمد رسیده است. قلیچی خاطرات تاریخی خوبی از سردار ترکمن عالی یار خان شنیده و ثبت و ضبط کرده است. وی تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خود به پایان رساند. کلاس اول و دوم راهنمایی را در مدرسه ملانفس گنبد خواند. ادامه تحصیل بنا به دلایلی ممکن نشد. هر چند که بعدها که در مراوه تپه ساکن شد به صورت متفرقه موفق به اخذ مدرک دیپلم هم شدند. اما همین اندازه از آموزش و یادگیری هم باعث شده بود که بای محمد جوان با توجه به ذوق شعری که داشتند، به سرودن اشعاری که با توجه به شرایط محیطی داشتند بپردازند. قلیچی که در طبیعت بکر و زیبا و آزاد بزرگ می شد، از روحی بلند و آزاد برخوردار شد. در چنین فضایی که قرقاوه یکی از مراکز مهم کشتی ترکمن بود به کشتی گیری پرداخت. نام و آوازه اش در کشتی همه گیر شده و به عنوان یک پهلوان جوان خود را به جامعه کشتی معرفی کرد. همچنین وی علاقه ی شدیدی به بازی والیبال داشت گاهی اوقات برای مسابقات والیبال از روستایی به روستا دیگر می رفت. ایشان در همان ایام جوانی به ادبیات و فرهنگ ترکمن علاقه مند شده و هر شب را با تنها بخشی روستا آرجی بخشی که از توان مالی بسیار ضعیفی برخوردار بوده و حتی قادر به ازدواج و تشکیل خانواده نشده، سپری می کرد. ساعت ها به اشعاری که از مختمقلی فراغی، مسکین قلیچ و به همراه دوتار خوانده می شد گوش داده و در همین محفل ها و مجلس ها بسیاری از اشعار شاعران ترکمن از جمله مختمقلی فراغی را حفظ کرد. این نشست ها باعث شد که ذوق شعری وی قلیان پیدا کرده و خود به سرودن شعر پرداخت که آرجی بخشی و دیگر ریش سفیدان روستا نیز مشوق وی در این راه بودند.

شاعر قلیچی پس از اتمام دوره ی سربازی به عنوان نیروی خدماتی به استخدام آموزش و پرورش در آمده و در ۱۳۶۳/۱۱/۲۱ ش در روستای آق امام مشغول به کار شد. اواخر بهار به شهر مراوه تپه انتقال یافت و از اول مهر ماه ۱۳۶۴ ش در دبیرستان شهید قویدل انجام وظیفه نمود. در این ایام خبرنگاران رادیو گرگان (یوسف فراخی، حاجی محمد خدری، محمد آتابای) اشعار قلیچی را ضبط و در برنامه های متنوع رادیو پخش می کردند. قلیچی در مراسم ها و همایش های سطح شهر اشعار خود را قرائت می کرد. دانش آموزان نیز اشعار وی را بصورت گروهی و دست

جمعاً اجرا می‌کردند. اقلیچی در تاریخ ۱۳۶۹/۰۷/۰۲ ش به روستای قرناوه علیا منتقل شد. در آن زمان‌ها معلمان در روستا بیتوته می‌کردند، بای محمد نیز در جمع معلمان و شب نشینی‌ها به خواندن اشعار خود می‌پرداخت این نشست‌ها زمینه‌ای را فراهم کرد تا اشعار سروده وی برای اولین بار به باد نقد گرفته شود که این کار باعث اصلاح کار و ورود به قالب جدید سرودن شعر را فراهم ساخت. قلیچی از این دوران به عنوان دوران طلایی از زندگی خود یاد کرده و خاطرات تلخ و شیرینی را دارند. توانایی وی باعث شد که در امور دفتری هم کمک کرده، علاوه بر آن گاهی اوقات در نبود معلم به امر تدریس هم مشغول شده و چه بسا که گاهی اوقات مدیریت مدرسه نیز به عهده‌ی وی سپرده می‌شد.

قلیچی در سال ۱۳۷۳ ش. به شهر مراوه تپه کوچ کرده و در اداره آموزش و پرورش در واحد دبیرخانه مشغول به کار شد. این مهاجرت نیز تأثیرات زیادی در تغییر افکار و اندیشه‌های ادبی وی بوجود آورد. قلیچی که دنیای جدیدی را تجربه می‌کرد، مراوداتش با افراد جدید، شاعران، نویسندگان، گروه‌ها و ... بیشتر شده و باعث رشد و تعالی وی در سرودن شعر شده بود. پس از یک سال کار اداری در سال ۱۳۷۴ ش. به عنوان مدیر عامل شرکت تعاونی مصرف فرهنگیان مراوه تپه انتخاب شد که این اتفاق هم برایش میمون و مبارک بود.

بای محمد در همین دوران اشعار فراوانی را سروده و مورد استقبال علاقه‌مندان در زادگاهش قرار گرفت و این موضوع باعث شد که وی با علاقه دو چندان به این کار بپردازند. قلیچی اولین دفتر شعر خود را به نام «ایلیمه سووغات» در سال ۱۳۸۰ ش. به چاپ رسانده و در بین مردم منتشر کردند که مورد استقبال اهالی فرهنگ و ادبیات قرار گرفته و انگیزه وی برای ادامه کار بیشتر و بیشتر شد. دومین اثر وی نیز به نام «ایلیم حقا» است که بسیاری از اشعار این دیوان توسط بخشی‌های ترکمن در مراسم‌های عروسی و ... به صورت آیدیم {ترانه} در آمده است. یکی از سروده‌های وی که توسط خالد بخشی سعادت در مراسم های عروسی خوانده شده و بارها و بارها نیز از طریق صدای رادیو ترکمن پخش شده می‌توان به شعر ذیل اشاره کرد:

«ثناء سجود بیر خدایا لایق دیر» «اؤزگانیگ اؤنگونده چؤکندن بولما»

(درود و سجده مختص خداوند باری تعالی است)